



An Ethnographic Study of the Lived Experience of Female Pilgrims: A Case Study of Women Pilgrims at the Shrine of 'Abd al- 'Azīm al-Ḥasanī (pbuh)

Akram Garousi¹  | Saeed Tavoosi Masroor²

1. Corresponding Author, Ph.D. Student in Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: a.garousi91@gmail.com

2. Faculty Member, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: saeed.tavoosi@atu.ac.ir

Article Info

Article type:
Review Article

Article history:

Received: 12

February 2025

Revised: 21 July
2025

Accepted: 15

October 2025

Available online 22

February 2026

Keywords:

Ethnography, Lived
Experience, Female
Pilgrims, Shrine of
'Abd al- 'Azīm al-
Ḥasanī (pbuh), The
Sacred, Peter
Berger.



ABSTRACT

Pilgrimage (Ziyārah) has been one of the most significant identity-forming practices for Shi'ism throughout Islamic history. This tradition has served as a point of reference for the general public across all social strata. Female pilgrims constitute a distinct segment of society who, due to their unique biological, psychological, and educational backgrounds, as well as environmental influences, experience pilgrimage in a manner specific to themselves. This research seeks to conduct an ethnographic study of women's pilgrimage, with a specific focus on women pilgrims at the shrine of 'Abd al- 'Azīm al-Ḥasanī (pbuh). To analyze the findings within this lived experience, the theoretical perspectives of Peter Berger—one of the most prominent sociologists of religion in the modern era—have been employed. Concepts such as secularism, diverse forms of consciousness, and the decline and resurgence of religiosity are among the key themes emphasized in Berger's thought. The required data were collected through ethnographic methods, utilizing tools such as observation, participant observation, interviews, documentary analysis, and other relevant techniques. The findings indicate that the lived experience of female pilgrims is shaped within a sacred universe construction at the shrine. Within this experience, life acquires meaning, and through the normalization of everyday affairs, it liberates individuals from the anomie of the pluralized modern world. The prominent presence of feminine emotions and sentiments alongside rationality, biological bodily differences, and the prevailing societal perceptions of gender significantly influence the behavior and actions of female pilgrims at various stages of the pilgrimage ritual. Furthermore, the necessity of greater modesty, the avoidance of displaying outward attractions, the continuity of hope, and the pursuit of material and spiritual needs can be identified as key characteristics of the sacred experience of women at the shrine.

Cite this article: Garousi, A.; Tavoosi Masroor, T. (2026). An Ethnographic Study of the Lived Experience of Female Pilgrims: A Case Study of Women Pilgrims at the Shrine of 'Abd al- 'Azīm al-Ḥasanī (pbuh). *Islamic Social Studies*, 31(132), 115-147. <https://doi.org/10.30513/iss.2025.6770.1388>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



بررسی مردم‌نگارانه تجربه زیسته زنان زائر مورد مطالعه: زنان زائر در زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع)

اکرم گروسی^۱ | سعید طاووسی مسرور^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران رایانامه: a.garousi91@gmail.com
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. رایانامه: saeed.tavoosi@atu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

زیارت یکی از مهم‌ترین شیوه‌های هویت‌دهی شیعه در طول تاریخ اسلام است. این سنت، محل رجوع عامه مردم و از هر قشری قرار دارد. زنان زائر یکی از اقشار جامعه هستند که با داشتن ابعاد متفاوت سیستم بیولوژیک بدنی، روانی و آموزه‌های متمایز تربیتی و محیطی، می‌توانند تجربه زیسته مخصوص به خود را داشته باشند. این پژوهش به دنبال مطالعه مردم‌نگارانه زیارت زنان (به صورت موردی، زنان زائر زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع)) است. برای تحلیل یافته‌ها در این تجربه زیسته، از نظرات پیتربگر، به عنوان یکی از مهم‌ترین جامعه‌شناسان دین در عصر مدرنیته، بهره برده شده است. سکولاریسم، آگاهی‌های متنوع، افول و صعود دین‌داری و... ازجمله مفاهیم نظرات پیتربگر هستند که مورد تأکید قرار گرفته است. داده‌های لازم به روش مردم‌نگاری و با ابزار مشاهده، مشاهده مشارکتی، مصاحبه، بررسی اسنادی و... جمع‌آوری شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که تجربه زیسته زنان زائر مبتنی بر ساخت جهانی مقدس، در زیارتگاه شکل می‌گیرد. در این تجربه، برای زندگی معنایابی می‌شود و با هنجاردهی به جریان‌ات روزمره، از آنومی دنیای متکثرشده مدرن رهایی می‌بخشد. حضور پررنگ عواطف و احساسات زنانه در کنار عقلانیت، تفاوت‌های بیولوژیک بدن، انگاره و تصویری که از جنسیت زن در جامعه وجود دارد، بر شیوه رفتار و کنش‌های زنان زائر در مراحل مختلف زیارت تأثیرگذار است. همچنین لزوم پوشیدگی بیشتر و دوری از نمایش جذابیت‌های ظاهری در کنار تداوم بخشی امید، دستاویزی برای رسیدن به حوائج مادی و معنوی و... رامی‌توان ازجمله شاخصه‌های تجربه قدسی زنان در زیارتگاه دانست.

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

کلیدواژه‌ها:

مردم‌نگاری، تجربه

زیسته، زنان زائر، زیارتگاه

حضرت

عبدالعظیم (ع)، امر

قدسی، پیتربگر.



استناد: گروسی، اکرم؛ طاووسی مسرور، سعید. (۱۴۰۵). بررسی مردم‌نگارانه تجربه زیسته زنان زائر مورد مطالعه: زنان زائر در زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع). پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۳۱ (۱۳۲)، ۱۱۵-۱۴۷.
<https://doi.org/10.30513/iss.2025.6770.1388>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه و پیشینه پژوهش

زیارت در اشکال مختلف، یکی از آیین‌ها و سنت‌های تاریخی است که تقریباً میان همه ادیان و اقوام داخلی و جوامع خارجی دیده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۱؛ رحمتی، ۱۳۹۳؛ سلطانیور و اصغری، ۱۳۹۵ و ...). به نظر می‌رسد زیارتگاه، مسجد، معبد، کنیسه، کلیسا و هر مکانی که به عنوان فضایی مقدس برای پیروان یک آیین شناخته می‌شود، به عنوان منبعی خودبسنده قابلیت پمپاژ دوباره امور عرفانی و روحانی برای فرد و جامعه را داراست. همچنین در زیارت، تعاملی بین انسان‌ها برقرار است که به مثابه بستر ارتباطات بین فرهنگی صورت می‌پذیرد (مرتضوی امامی زواره و یوسفی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۵). این ویژگی‌های شاخص زیارت، عاملی در جهت پایداری و تداوم آن شده است. در این میان، اقشار مختلف جامعه در کنار ادراکات مشترک، می‌توانند تجربه‌های زیسته متفاوتی از امر زیارت نیز داشته باشند. یکی از اصلی‌ترین این قشر بندی‌ها جنسیت است. زنان با وجود داشتن تفاوت‌های بیولوژیک بدنی، روحی و همچنین انتظاراتی که فرهنگ یک جامعه به واسطه تربیت و تعاملات محیطی از ایشان ایجاد کرده، دارای زمینه‌ای متمایز در ادراک و انجام آیین‌های دینی هستند. با وجود مؤلفه‌هایی که بیان شد، آداب زیارت زنانه، در عین مشابهت با سایر زائران، می‌تواند بر اساس ویژگی‌های زنانه دارای تمایزاتی باشد. مجموع این ویژگی‌ها در تجربه زیسته زنان زائر مؤثر واقع شده و آن را بازتعریف می‌کند. لذا برای فهم بهتر از چگونگی این بازتعریف، لازم است به مطالعه و بررسی چگونگی شکل‌گیری این تجربه زیسته قدسی پرداخته شود.

ما در اینجا تلاش داریم تا با شیوه کیفی و به روش مردم‌نگارانه که از رویکرد تفسیری برای تحلیل یافته‌ها سود می‌برد، به بررسی چگونگی شکل‌گیری تجربه قدسی زنان در زیارتگاه بپردازیم. لذا سعی شده با همراهی و همدلی کردن با زنان زائر، مشاهده و مشارکت در آداب و اعمالی که در مراحل زیارت از آنها دیده می‌شود و همچنین گفتگوهای دوستانه و مصاحبه‌های باز با ایشان، توصیف و تحلیلی از شاخصه‌های حیات قدسی زیارت زنانه داشته باشیم. برای این منظور، زیارتگاه

حضرت عبدالعظیم (ع) را به عنوان میدان پژوهش خویش انتخاب کردیم. جایگاه و شهرت شخص حضرت عبدالعظیم (ع) در بین اصحاب و نزدیکان امامان شیعه که باعث توجه ویژه و رجوع فراوان زائران به زیارتگاه ایشان شده است، موقعیت جغرافیایی زیارتگاه در مکانی شلوغ و پرازدحام، قرار گرفتن در جنوب شهر تهران و به تبع در فضایی که کمتر رنگ و بوی تجملات و زرق و برق ظواهر متمولانه بالای شهر را به خود گرفته و تا حدود زیادی اصالت قدیمی خود را حفظ کرده است، حضور زائرانی از اقشار و طبقات مختلف اجتماعی، سهولت دسترسی و رفت و آمد و... را می‌توان از جمله دلایل این انتخاب توسط محقق دانست.

پیشینه تحقیق: در بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط با تجربه زیسته زیارت، هم برای رعایت اختصار و هم برای نزدیک بودن به فضای اجتماعی زمان حاضر، به بررسی آثار نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ شمسی پرداخته‌ایم. پویافر (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «پدیدارشناسی تجربه زیارت؛ مطالعه موردی در حرم امام رضا (ع)»، از طریق مطالعه پدیدارشناختی به بررسی نمونه‌هایی از زائران امام رضا (ع) از منظر چگونگی تنوع تجربه دینی بر اساس چهارچوب مفهومی از نظریات ویلیام جیمز پرداخته است. وی در نهایت به تنوعی از تجربه‌های دینی در سه بُعد (اندیشه‌ها، کنش‌ها و احساسات و عواطف) رسیده است. کاهیرده و دماوندی (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی درون‌نگرانه از معنابخشی زنان زائر به مناسک زیارتی پیاده‌روی اربعین»، با مصاحبه‌های عمیق و به شکل کیفی، روایت‌های زائران را مورد تجزیه و تحلیل گفتمانی قرار داده‌اند. محمدی و همکاران (۱۳۹۶) با تأملی پدیدارشناختی در تجربه‌های افرادی که به قصد زیارت بارگاه امامزاده مهدی و امامزاده باقر به شهرستان هرسین در استان کرمانشاه سفر می‌کنند، کوشش کرده‌اند تا چگونگی معناسازی و آثار عملی تجربه سفرهای زیارتی را تفسیر کنند. معاون، موحد و طبعی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «درک گردشگران مذهبی زن از کنش زیارت در بقاع متبرکه شهر شیراز؛ مطالعه مردم‌نگارانه»، با اتخاذ رویکرد کیفی به توصیف چگونگی زیارت زنان در گردشگری مذهبی پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از این است که سفر زیارتی از مقوله‌های بستر اعتقادی، مناسک زیسته، میل به بندگی، احساس

فضای قدسی، آرامش، تغییر و تحول تشکیل می‌شود. اکبری و فاضلی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «تغییرات معناشناختی کنش زیارت از منظر انسان‌شناسی تفسیری؛ مطالعه موردی زائران امام‌رضا (ع)»، و به روش مردم‌نگاری در صدد برآمدند تا تغییرات در کنشی سنتی همچون زیارت را در جامعه با تحولات مدرنیته مورد ارزیابی قرار دهند. سلیمانی دلفارد (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان مردم‌شناسی زیارتگاه‌ها، به بررسی مردم‌شناسانه زیارتگاه‌های استان کرمان پرداخته است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، غالب پژوهش‌ها به کارکردهای زیارت و اهداف غائی از آن برای زائران پرداخته و کمتر چگونگی مکانیزم دریافت و ادراک تجربه قدسی زائر در زیارتگاه صورت‌بندی شده است. پژوهش حاضر به دنبال مردم‌نگاری تجربه زیسته برای زائران زن می‌باشد؛ تجربه‌ای که در آن علاوه بر گونه‌های مختلف زائران زن، عوامل محیطی، جسمی و... که زنان در زیارت با آن مواجه هستند و بر دریافت‌های ایشان مؤثر واقع می‌شود را نیز مدنظر قرار داده است. ازسویی دیگر، چهارچوب مفهومی این تحقیق بر مبنای نظرات پیتر برگر، جامعه‌شناس دینی که بر اثرات پدیده مدرنیته در شیوه دین‌داری افراد در عصر حاضر پرداخته، واقع شده است. این مفاهیم برای تبیین چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های این پدیده در تجربه زیسته قدسی زنان زائر به ما کمک خواهد کرد.

۱. مبانی نظری و روش تحقیق

برای رسیدن به تجربه‌ای که از امر زیارت کسب می‌شود، لازم است مناسک زیارت را در الگوی پدیده‌های قدسی که معنادهندگی ژرف و نمایانی از دین مقدس به دنبال دارد، مورد ارزیابی قرار داد. لذا برای فهم بهتر یافته‌ها، از مفاهیم و نظرات پیتر برگر، جامعه‌شناس مطرح دین، یاری گرفته‌ایم. برگر تلاش می‌کند نشان دهد چگونه دین فضایی از قدسیت را ایجاد می‌کند و چگونه با تقسیم و مقوله‌سازی امور میان قدسی و غیرقدسی، به جهان کیهانی نظم می‌بخشد (برگر، ۱۳۹۷، ص ۶۲). این جامعه‌شناس در دوره اول زندگی علمی خود به این نظریه معتقد بود که فرایند مدرنیزاسیون به افول دین می‌انجامد و به عبارتی، هر جامعه به سمت حوزه‌های آگاهی مدرن پیش می‌رود، نمادهای دینی رنگ می‌بازد و دین کارکرد اصلی خود را

از دست می‌دهد. در ادامه و در نیمه دوم زندگی علمی و با دیدن نشانه و رخداد‌های صورت گرفته، نگرش برگر نیز تغییر می‌کند. در این دوران بود که برگر اثرگذاری مدرنیته بر دین را یک واقعیت غیر قابل چشم‌پوشی می‌دانست و درعین حال، بر برداشت‌های غلط از آن تأکید داشت و بارها آن را یادآوری کرده بود. او در جایی می‌گوید:

یک بار دیگر مرور کنیم: مدرنیزاسیون منجر به تکثیر می‌شود و تکثر توانایی فرد برای انتخاب بین دو یا چند جهان بینی را افزایش می‌دهد. اشتباه نظریه سکولاریزاسیون در این پیش فرض بود که این انتخاب‌ها به احتمال زیاد سکولار خواهند بود؛ اما در حقیقت آنها به همان اندازه ممکن است دینی هم باشند (برگر و زایدرولد، ۱۳۹۳، ص ۴۸).

به عقیده برگر، جوامع سنتی اغلب یکپارچه بودند و انسان سنتی در جهانی زندگی می‌کرد که عملاً یکدست بود. در عصر حاضر، انسان در جریان رفع نیازهای خویش، بیش از پیش باید درگیر مناسبات تودرتوی دنیایی شود و ویژگی جوامع شهری و مدرن، سر برآوردن بیش از پیش تکثر در دنیای پیش روی افراد است... (برگر، ۱۳۹۴، ص ۷۳؛ نیزگاما، ۱۳۹۸). لذا افراد عملاً در بسیاری از مواقع به تناسب آگاهی‌های کسب شده، نوع نگرش و منش خویش را انتخاب می‌کنند. باورهای دینی نیز از این امر مستثنا نیستند. در ادامه، برای درک بهتر و به تناسب یافته‌ها و تحلیل شاخصه‌های به دست آمده از امر زیارت زنان، از برخی نظرات این جامعه‌شناس دین که بررسی و توصیفات متعدد و مبسوطی از موارد و رویدادهای مبتلابه زیست مادی و معنوی افراد در عصر مدرن داشته است، بهره برده‌ایم.

۱-۱. هویت زنانه و اثرگذاری آن در تجربه حیات قدسی زیارت

در تعریف جنس، به آن دسته از تفاوت‌های بیولوژیکی و آناتومیکی توجه می‌شود که زنان و مردان را از هم متمایز می‌سازد. در صورتی که جنسیت، انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب هر جنس است و عمدتاً تفاوت‌های اکتسابی فرهنگی و اعتقادی بین مردان و زنان را شامل می‌شود. در جامعه‌شناسی و در بین نظریه‌پردازان این عرصه، اینکه هریک از ابعاد جنس یا جنسیت تا چه میزان بر هویت و نوع

نقش‌پذیری این دو قشر اثرگذار بوده‌اند، تفاوت دیدگاه وجود دارد. برخی قائل به تأثیر مستقیم و محوری تفاوت‌های جنسی بر نوع نقش‌پذیری زنان و مردان در جامعه هستند (گرت، ۱۳۹۶، ص ۱۵). در نقطه مقابل، برخی نظریه پردازان اجتماعی، به خصوص جریان‌ات فمینیستی، قائل به اثرگذاری ویژه جنس بر ساختار هویتی نیستند و هویت زنانه و مردانه را یا کاملاً و یا در حد زیادی همان بُعد جنسیت می‌دانند که آن نیز متأثر از عوامل محیطی و اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که یکی از نتایج آن این می‌شود که تمایزات بین زنان و مردان تمایزاتی ساخته شده توسط جامعه‌اند، نه اینکه این تمایزات از ابتدا وجود داشته‌اند (هولمز، ۱۳۸۷، ص ۴۱۱). گروه سومی نیز هستند که قائل به تأثیرگذاری تمایزات بیولوژیک و بدنی یا همان تمایزات جنسی بر تفاوت‌های رفتاری هستند، ولی درعین حال، تأثیرات جنسیت که خود برساخته جامعه است را نیز بر روی ساخت هویت زنانگی و مردانگی پررنگ می‌دانند (هولمز، ۱۳۸۷، ص ۴۱۲-۴۱۵). نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت این است که از میان تمایزات گوناگون اجتماعی، هیچ‌یک همگانی‌تر از جنسیت نیست، به دیگر سخن، تمامی ملل دنیا بین مردان و زنان تمایز می‌گذارند و در همه جا رابطه جنسیت رابطه‌ای است اساسی در ساخت شخص (اریکسن، ۲۰۰۶، ص ۶۲). لذا تفاوت درک از پدیده‌ها، با اذعان به تمایزهای قابل توجه در اندیشه زنانه، به عنوان «نمونه آرمانی» تحت عنوان «تجربه زنانه» سخن گفته می‌شود که اگرچه تظاهرات این تجربه بر روی طیفی از تفاوت‌ها قرار می‌گیرد، اما دارای شباهت و انسجام‌های منطقی است که موجب می‌شود آن را ذیل عنوان کلی «تجربه زنانگی» گنجانند (جمشیدیها و حمیدی، ۱۳۸۶، ص ۵). این تجربه زیسته زنانگی در امور مختلف روزمره می‌تواند برای زنان شکل گرفته و ادراک شود. یکی از این امور، تجربه حیات دینی به تناسب انجام مناسک و آیین‌های اعتقادی است که پژوهش حاضر به بررسی تجربه زیسته زنانه در امر زیارت پرداخته است.

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی بوده و به شیوه مردم‌نگاری صورت گرفته است. مردم‌نگاری یک استراتژی تحقیق است که به مردم‌نگاران اجازه می‌دهد تا فرهنگ و جوامعی که

قسمت بنیادین تجربه بشری هستند را مورد بررسی و کاوش قرار دهد (مارچسیون، ۱۳۹۲، ص ۲۵). به عبارت دیگر، مردم‌نگاری شیوه‌ای است برای مطالعه مردم در گروه‌های سازمان یافته و پایدار که معمولاً به منزله اجتماع یا جوامع شناخته می‌شود (انگروزیو، ۱۳۹۶، ص ۲۰). مشاهده‌ها، گفتگوها، برخوردها و تجربه‌ها منابع کارساز رویکرد مردم‌نگاری هستند (هاروی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹). در این پژوهش بعد از انتخاب زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع) با ویژگی یک زیارتگاه محوری، پرجوع و با کاربری‌های متعدد به عنوان میدان تحقیق، در حدود یک سال و به صورت منقطع و در زمان‌های مختلف با حضور در زیارتگاه، مشاهده، مشاهده همراه با مشارکت، مصاحبه با زنان، ثبت تصویر و... صورت گرفت. در انتخاب زنان زائر برای مصاحبه مفصل و پرسیدن سؤالات موردی از ایشان، سعی بر آن بود که تنوع سن، وضعیت پوشش و ظاهر، تحصیلات و... مدنظر قرار گیرد. در این میان با ۱۱ زن زائر مصاحبه مفصل صورت گرفت و از تعدادی دیگر (حدود ۳۰ نفر)، سؤالات موردی به تناسب رفتار و کنشی سرزده از ایشان پرسیده شد. همچنین در دستیابی به داده‌های لازم جهت بررسی بیشتر، از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. محصول این پژوهش را می‌توان یک مردم‌نگاری دینی، بومی و تفسیری محسوب کرد. از منظر مردم‌نگاری دینی، میدان مورد بررسی یک نهاد مذهبی است. ازسویی دیگر، نگارنده به عنوان شخصی که خود باورمند و هم‌مذهب با زائران این زیارتگاه، از کودکی با آموزه‌های آیین زیارت همراه بوده و در همان قوم و شهری که این زیارتگاه در آن قرار دارد زندگی کرده است. لذا با شیوه رفتار و کنش زائران همدلی دارد و به علت هم‌زبانی با زائران، که از منظر برگر، در تبیین و جهت‌دهی افکار و اعتقادات افراد جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و یکی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل هویت، شخصیت و فرهنگ جوامع به شمار می‌رود (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۴۸)، دانسته‌ها و درکی متقابل از گزاره‌های کلامی ایشان داشته است. این مؤلفه‌ها خبر از یک مردم‌نگاری بومی می‌دهد. همچنین پس از بیان شاخصه‌های مرتبط با داده‌ها، به‌پشتوانه مبانی نظری انتخاب شده، به تحلیل و تفسیری کوتاه از مکانیزم شکل‌گیری رفتار و کنش‌های صورت گرفته پرداخته‌ایم.

۳-۱. یافته‌ها

۱-۳-۱. ملزومات و آداب ورود و حضور زنان در زیارتگاه

تمامی درهای ورودی به حیاط‌های زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع) به دو قسمت مجزای خانم‌ها و آقایان تقسیم شده است. البته این امر در بسیاری از اماکن مقدس شیعیان و خصوصاً در ایران، به شکل یک روال و شیوه جاری برای ورود زائران به زیارتگاه‌ها (خصوصاً زیارتگاه‌های بزرگ و اصلی) درآمده است. مدل گیت‌های ورودی برای زنان به گونه‌ای چیده و تنظیم شده که حداکثر پوشیدگی و پنهان بودن از دیده‌های اغیار را داشته باشد. بر همین اساس در درهای ورودی زنان، پرده‌هایی از فرش یا پارچه برزنت ضخیم آویزان شده تا در بررسی بدنی و تذکرات احتمالی مسئولان ورودی به خانم‌ها راجع به آرایش و پوشش، فضای مناسب و پوشیده‌ای وجود داشته باشد.





درهای ورودی زنان زائر به زیارتگاه که از بیرون و داخل پوشیده شده‌اند.

(تصاویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹)

پوشیدن چادر یک امر الزامی برای تمامی زنان زائر است. به همین منظور، تعدادی چادرهای رنگی که نشان حرم را بر روی خود دارند، در مقابل درهای ورودی زنانه قرار داده شده تا به زنانی که قصد ورود به زیارتگاه را داشته و چادر به همراه ندارند، امانت داده شود و آنها در محیط زیارتگاه آن را بر سر بیندازند. در درب‌های ورودی مخصوص زنان به حرم، علاوه بر آنکه از ورود زنان بدون چادر ممانعت می‌شود، از زنانی هم که آرایش نمایانی بر صورت دارند، خواسته می‌شود که آنها را پاک کنند. این آداب و الزامات در پوشش ظاهری زنان، فقط به ورودی‌های زیارتگاه محدود نمی‌شود و در تمام حریم زیارتگاه، زنان باید پوشیدگی با چادر و عدم داشتن آرایشی که در صورت مشخص باشد را رعایت کنند. نکته‌ای دیگر که در ورودی درهای زنان مشاهده می‌شود، این است که زنانی که حجاب کمتری دارند، بعضاً سعی می‌کنند در هنگام ورود به زیارتگاه، بدن خود را بیشتر بپوشانند. روسری‌ها جلوتر آمده و موها پوشانده می‌شود. مانتوهای جلو باز را با دست بسته‌تر کرده و اگر آرایشی در صورت باشد، پاک می‌کنند. تقریباً بسیاری از زنان مطلع هستند که برای ورود به حرم باید چادر داشته باشند. لذا اگرچه در بیرون زیارتگاه چادر نداشته باشند، برای مراجعه به زیارتگاه چادری را به همراه خود می‌آورند و در مقابل درب

ورودی، آن را به سر می‌اندازند.



زن زائری که به هنگام ورود به زیارتگاه، چادری که به همراه آورده، به سر می‌کند.

(تصویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹)

تحلیلی ژرف از تجربه حیات دینی با رعایت پوشیدگی بیشتر بدن زنان در فضای قدسی زیارتگاه

یکی از احکام اسلام برای زنان، واجب بودن پوشاندن موهای سر و تمامی بدن، بدون نمایان شدن برجستگی‌های بدن در زنان است. تقریباً در هر جایی از دنیا، داشتن پوشش سر و حجاب بدن (در مدل‌های مختلف)، نشانه‌ای از مسلمان بودن آن زن تلقی می‌شود. البته ازسوی دیگر این امر حتمی نیست. یعنی زنی که خود را مسلمان می‌داند، ممکن است لزوماً این پوشیدگی سر و بدن را رعایت نکرده و یا یک نوع حجاب و پوشش را در همه جا انتخاب نکند؛ چراکه قائل به کافی بودن میزان حجاب و پوشش خود در مکان‌های مختلف است. جالب آنکه در طی مصاحبه و مشاهده از زنان زائری که دارای نگرش‌های متفاوت به حجاب هستند، نکته‌ای مشترک در سخنان اغلب آنان شنیده و دیده می‌شد که طی آن پوشش کامل بدن، چادر به سر کردن و نداشتن آرایش بر صورت را در فضای زیارتگاه، امری لازم و مناسب می‌دانستند.

سمیه، متأهل، ۲۵ ساله: «به نظر من باید در زیارتگاه چادر سر کرد. بالاخره اینجا زیارتگاه. باید توش یه چیزایی بیشتر رعایت بشه. من که بعضی جاها چادر سر می‌کنم و بعضی جاها نه، ولی برای زیارتگاه اومدن می‌گم باید چادر داشت.»

محترم، ۶۵ ساله، با تحصیلات ابتدایی و خانه دار: «حجاب باید تو اینجاها رعایت بشه. یعنی همون چادر دیگه. اینجا حرمت داره. احترام داره. نباید گناه کرد توش.»

پاسخی نسبتاً مشابه از افراد دیگر نیز شنیده می‌شود؛ افرادی که مشخص بود چادر و حجابی که در زیارتگاه دارند، همیشگی نیست و عادت به سر کردن آن را نداشته و یا حتی خوب بلد نیستند که آن را در سر نگه داشته و این نوع پوشش، برای حضور در این مکان است. انگار افراد با عبور از درب‌های زیارتگاه، وارد جهانی دیگر با مکانیزم‌ها و ساختارهای هنجاری مجزا می‌شوند. این امر را در خلال شناخت‌های متفاوتی که در طی فرایندهایی، از مجموعه‌های مختلف تولید آگاهی برای انسان‌ها شکل می‌گیرد، بهتر می‌توان فهمید. حوزه‌های مختلف که انسان از ابتدای مواجهه با مجموعه‌ها و نهادهای متعدد اجتماعی، در حال دریافت‌های متفاوت آگاهی از آنهاست. به طور مثال، فرد از خانواده و بازخورد الگوهای رفتاری و کنشی شکل گرفته از آن، نوعی از هنجارها را دریافت و ضبط می‌کند و درعین حال با ورود به محیط آموزشی و شبکه دوستان، نوعی دیگر. و در ادامه و در مواجهه با دنیای اجتماعی بزرگ‌تر که می‌تواند رویه‌های فرهنگی و قوانین حاکم بر شهر و کشوری که در آن زندگی می‌کند باشد، حوزه‌های شکل‌گیری آگاهی نیز گسترده‌تر می‌شود. با اینکه آگاهی پدیده‌ای مربوط به تجربه ذهنی است، اما به دلیل آنکه در عناصر به طور اجتماعی معنادار، خود دائماً با دیگران شریک می‌شود، می‌توان آن را به طور عینی توصیف کرد (برگر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۸). همچنین فرد برای معنابخشی به زندگی، به طور کلی به تعاریف فراگیر واقعیت نیاز دارد. این تعاریف جامع برای حفظ یکپارچگی جامعه و برای تداوم هر موقعیت اجتماعی خاص ضروری‌اند. آنها باهم جهان نمادین فرد یا جامعه را می‌سازند (برگر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۰). با این توضیحات، رسیدن به منطق چرایی پررنگ شدن تبعیت از آداب دینی شخصی و

جمعی در فضاهای قدسی هموارتر می‌شود. بر همین اساس، فرد با ورود به زیارتگاه نه تنها وارد فضای جغرافیای مجزایی شده است، بلکه وارد جزیره شناخت از مکان مقدس در ذهن خود نیز می‌شود؛ شناختی که به او می‌گوید در تنفس و زندگی در فضای قدسی، باید از قوانین و احکام دینی به صورت تام و غلظت بیشتری پیروی کرد. البته میزان این غلظت به تناسب شناخت ذهنی افراد در مرحله فعل و عمل عینی متفاوت خواهد بود؛ فعل و عمل عینی که به صورت مصداقی برای زنان زائر در میزان پذیرش پوشش و حجاب بیشتر و نداشتن آرایش در زیارتگاه نمایان می‌شود. ازسویی دیگر، تصور بر این است که در این فضا هرچقدر از تجملات و پوشش‌هایی که بیشتر جذابیت‌های اندامی بدن را به نمایش می‌گذارد فاصله گرفته شود، تمرکز و توجه به امر قدسی بیشتر خواهد شد. پس برای رسیدن به تجربه حیات دینی عمیق‌تر در خود و بقیه زائران، پوشیدگی بیشتر بدن امری مطلوب و لازم است.

۱-۳-۲. آداب بدنی زنان زائر در مراحل مختلف زیارت

همان‌گونه که گذشت، الگوی رفتار بدنی زن زائر را باور به حیّ، و به تبع صاحب شعور و آگاهی بودن مَزور در فضای قدسی زیارتگاه شکل می‌دهد. با این باور و اعتقاد، اغلب زنان زائر در هنگام عبور از درب ورودی و یا با دیدن گنبد زیارتگاه و یا نزدیک شدن به ضریح، دست به سینه گذاشته، بدن خود را به حالت تعظیم خم کرده و در همین حالت، عبارت «السلام علیک» را بیان می‌کنند. عیناً همین اعمال و به همراه سلامی دوباره، در هنگام خروج از درب‌های زیارتگاه نیز توسط زائر انجام می‌شود. این نوع حرکات و ذکر سلام اول و سلام دومی که معنای خداحافظی در زبان دینی عربی را با خود همراه دارد، خبر از حضور در ساحت فردی قدسی، باعظمت، صاحب آگاهی و در حال مشاهده در زیارتگاه را می‌دهد. لذا تشریف و خروج از ساحت ایشان هم باید با آداب خاصی همراه باشد. همچنین زنان زائر غالباً از لحظه ورود به صحن‌ها و حرکت به سمت ضریح، شروع به دست کشیدن و بوسیدن در و دیوار می‌کنند. در ادامه با نزدیک شدن به ضریح، اغلب حالی حزین و فروتنانه، قدم‌هایی آهسته، دست به سینه قرار داده شده، بدن انحناء گرفته و سر به داخل و یا چپ و راست خم شده در آداب بدنی ایشان دیده می‌شود. در تمامی این

مراحل، زائران اذکاری همچون صلوات و یا سوره حمد و توحید به عنوان فاتحه‌ای برای مزور و... را بر زبان زمزمه می‌کنند. برخی نیز در همین حال و با نزدیک شدن و دست گرفتن شبکه‌های ضریح و بوسیدن آن، اشک از دیدگانشان جاری می‌شود. مجموعه این آداب، خشوع و تواضع زائر در مقابل مزور را حکایت می‌کند. همچنین نوعی از هیجان و تلاطم روحی ناشی از مواجهه با شخصیتی با بهت و متعالی که در چهره و بدن برخی زنان زائر شکل می‌گیرد، مکمل این خشوع و تواضع می‌شود. تلاش برای گرفتن شبکه‌های ضریح نیز چه در مواقع ازدحام و شلوغی و حتی زمانی که به علت شیوع بیماری هشدار به دست نزدن به آن داده شده، در اعمال برخی از زنان دیده می‌شود. گویا با گرفتن شبکه‌های ضریح، درک و تشرف به محضر مزور به صورت کامل‌تر و بهتری صورت می‌گیرد. در هنگام عرض حاجات، غالباً زنان دستان خود را به سمت بالا و به سوی ضریح بلند کرده و گاهی چشمان خود را بسته و در همان حال به بیان خواسته‌های خود می‌پردازند. منطق این نوع رفتار و کنش‌ها را در تمرکز و توجهی مضاعف که ملازمه حضور و عرض حاجات از جهان استعلایی و مقدس ایجاد شده در زیارتگاه است، می‌توان فهم و ادراک کرد.



زن زائری که به دلیل شرایط شیوع بیماری کرونا، امکان گرفتن شبکه‌های ضریح را نداشته

و با فاصله و دستان بلند شده به سوی آسمان، در حال گفتگو با خداوند و مزور است.
(تصویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹)

۳-۳-۱. ساختار بیولوژیک بدن زنان و تجربه حیات قدسی زیارت

جسم زنان تمایزات قابل توجهی در بیولوژیک، فرم و ساختار اندامی نسبت به مردان دارد. این تمایزات عمدتاً در چهارچوب کلی قابلیت فرزندآوری در زنان مشاهده می‌شود. یکی از این ویژگی‌ها، قرار گرفتن زنان و دختران بالغ شده جسمی در یکی از دو حالت دوره عادت ماهانه که دوره خون‌ریزی از رحم زنان در آن قرار می‌گیرد و غیر ایام عادت ماهانه که اصطلاحاً به آن دوران پاک (کنایه از پاک و قطع شدن خون‌ریزی رحم) گفته می‌شود، است. به خون خارج شده از رحم زن در ایام عادت ماهانه «حیض» گفته می‌شود و به زنان در این ایام «حائض». در ادیان مختلف و مخصوصاً در اسلام، احکام خاصی برای زن حائض وجود دارد. به عنوان مثال، به جای آوردن عبادات مشروط به طهارت همچون نماز، روزه، طواف و اعتکاف بر زنان در ایام حیض حرام است. حاضر شدن در مساجد و نزدیک ضریح معصومان (ع) و پیشوایان دین در این ایام برای زنان جایز نیست. به طور کلی، رفتن به بارگاه امامزادگان اشکالی ندارد؛ هرچند برخی از مراجع تقلید دینی وارد نشدن به محوطه اصلی که ضریح در آن قرار دارد را بهتر دانسته‌اند. مجموعه این احکام دینی باعث می‌شود که برخی زنان و دختران از زیارتگاه آمدن در این ایام خودداری کرده و یا اگر زائر زیارتگاه می‌شوند، شیوه‌های متفاوت‌تری از آداب زیارت را برگزیده و در پی انجام آن باشند. زنان زائر در این ایام غالباً به صحن داخلی ضریح نزدیک نمی‌شوند و در حیاط و یا گوشه‌ای از رواق‌های زیارتگاه می‌مانند. نماز نمی‌خوانند و کمتر هم به قرائت قرآن و ادعیه از روی کتاب می‌پردازند. بیشتر زمان این زائران در زیارتگاه به نشستن در گوشه‌ای و ذکری به زیر لب زمزمه کردن می‌گذرد. این حالت برای برخی زنان زائر، امری غیرمطلوب در تجربه زیسته قدسی از زیارت تلقی می‌شود و برای برخی از آنان تفاوتی ندارد.

از جمعه، ۳۲ ساله، متأهل و کارشناسی ارشد زبان انگلیسی پرسیدم که در ایام عادت ماهانه خود، تغییر حالی در مواجهه با زیارت دارد یا خیر. این‌گونه پاسخ داد:

راستش، بله. من سعی می‌کنم تو روزهای پریودم نیام زیارتگاه. ولی یه وقتایی مثل الان که یه دفعه به خاطر مادرم مجبور شدم بیام، حس خوبی ندارم. اومدم نشستم یه گوشه و برای خودم ذکر می‌گم. ولی بیشتر دوست داشتم الان می‌تونستم برم تا نزدیک‌های ضریح و نماز بخونم.

در این راستا می‌توان در یک تقسیم‌بندی، برخی دین‌داران را در گروه افرادی که تجربه دین‌داری خود را در اعمال و به جای آوردن مناسک جستجو کرده و عمیقاً به انجام دائمی آنها خو گرفته‌اند، قرار داد؛ افرادی که انجام مناسک دینی به مثابه جزئی از زندگی آنها درآمده است. در این افراد، حس شورانگیز و عمیق معنوی و قدسی در مسیر انجام عبادات و افعال دینی ایجاد می‌شود. با نبود این مناسک، حضور در زیارتگاه نیز تأمین‌کننده مناسب این تجربه قدسی نخواهد بود. لذا از اینکه در ایام عادت ماهانه از برخی مناسک دینی منع می‌شوند، دچار نوعی آشفتگی شده که احساس فاصله گرفتن از ساحت الهی و معنوی را به دنبال دارد. ازسویی دیگر در اسلام و مذهب تشیع، وضو و غسل به عنوان دو عمل از مناسک دینی طهارت‌دهنده است؛ اعمالی که برای انجام برخی آیین‌های مذهبی، باید حتماً آنها را به جای آورد و برای برخی دیگر، تأکید بر بهتر بودن در انجام آنها شده است. مواقعی که به جای آوردن این آیین‌های طهارت‌دهنده واجب می‌شوند، به نوعی برای فرد تداعی‌کننده این مطلب است که تا قبل از انجام آنها در وضعیت ناپاکی قرار دارد. چنانچه وقتی زنی زائر به دلیل بودن در ایام حیض خود برای زیارت به نزدیک ضریح نمی‌آید، غالباً از تعبیر «پاک نیستم» استفاده می‌کند. تعبیر «پاک نبودن» الزامات معنایی دیگری را به دنبال دارد؛ الزاماتی چون بیرون افتادن از جهان پاک و ملکوتی در این ایام و قرار گرفتن در فضایی غیرپاک و آلوده. این الزامات و تلقی‌ها باعث ادراکاتی خاص در زنان می‌شود؛ ادراکاتی که خود را در داشتن تجربه‌ای ناخوشایند از اذن نداشتن در انجام برخی مناسک عبادی نشان می‌دهد. این‌گونه می‌شود که در این حالت، برخی از بودن در فضای قدسی نیز حذر می‌کنند. چنانچه تصور می‌شود، با وجود بودن در حالتی غیرطاهر، نمی‌توان دریافت مناسبی از این فضای کاملاً مطهر داشت؛ لذا با وجود حضور در مکان مقدس، تشریف کامل

به جهان غیر صورت نمی‌گیرد.

۲. زمینه‌مندی و دلایل رجوع زنان به زیارتگاه

انگیزه و زمینه‌مندی رجوع و آمدن زنان زائر به زیارتگاه را می‌توان از دو منظر کلی تقسیم‌بندی و مورد بررسی قرار داد:

۲-۱. کنش زیارت به عنوان امری مستقل

یکی بر مبنای چگونگی رجوع به زیارتگاه است که می‌شود آن را در انگیزه‌های فردی و یا جمعی قرار داد و از منظری دیگر، دلالت‌هایی که باعث ایجاد جذبه و کشش زنان به سمت زیارتگاه می‌شود. با این توضیح که برخی از زنان به زیارتگاه رجوع می‌کنند، صرفاً به دلیل انجام زیارت به عنوان عمل به یک دستور دینی و کسب ثواب در پی آن. در واقع، در اینجا کنش زیارت یک زمینه خودبنیاد و مستقل داشته و دال اصلی و تام رجوع زن زائر به زیارتگاه را تشکیل می‌دهد.

۲-۲. کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته

در کنار آن، گروهی از ایشان هستند که آمدنشان به زیارتگاه نه به صرف زیارت است، بلکه امر زیارت به عنوان کنشی فرعی در کنار رسیدن به اهداف دیگر صورت می‌پذیرد. این اهداف در گروه‌های متعددی می‌تواند قرار داشته باشد. در ادامه به مواردی از این انگیزه‌ها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱. کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته در کنار رسیدن به اهداف

اقتصادی

با توجه به اینکه پیرامون زیارتگاه عبدالعظیم (ع) دارای بازارهای متعدد و اجناس گوناگونی است، یکی از دلالت‌های رجوع زنان به این زیارتگاه خرید مایحتاج مورد نیاز است. در این صورت برخی زنان در کنار خرید و بازدید از اجناس بازار، در زیارتگاه نیز حاضر شده و عمل زیارت را به جای می‌آورند.

در حیات بودم که اکرم، حدود ۳۰ ساله، با چند نایلون از اجناس مختلف از درب حیات وارد شد و از همان جا رو به حرم ایستاد، دست به سینه گذاشت و زیر لب چیزی گفت و برگشت. وقتی در حین بازگشت، از او دلیل حضور در زیارتگاه را

پرسیدم، جواب داد: «برای خرید اومده بودم، گفتم یه سرم اینجا بزنم.»

۲-۲-۲. کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته در کنار رسیدن به اهداف

علمی پژوهشی

زیارتگاه حضرت عبدالعظیم (ع) اماکن علمی و پژوهشی عمده‌ای برای اقشار مختلف جامعه را داراست: دانشگاه علوم و حدیث و حوزه علمیه که در جوار حرم هستند، تالار شیخ صدوق که در کنار دانشگاه علوم و حدیث قرار دارد و همایش‌های علمی مختلفی در آن برگزار می‌شود، همچنین وجود مجموعه خانه علم، کتابخانه‌ای مجهز (به‌ویژه در حوزه علوم دینی، کلامی، تاریخی...) و موزه زیاتگاه که عامه مردم می‌توانند از آن بازدید کنند، انگیزه علمی پژوهشی برای آمدن به این زیارتگاه را پررنگ‌تر کرده است.





(تصاویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹)

۲-۳. کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته در کنار گذراندن اوقات فراغت و تفریح

از اهداف دیگر در رجوع افراد به زیارتگاه، انتخاب محلی برای گذراندن اوقات فراغت است. جالب آنکه گویا این انتخاب از گذشته‌های دور نیز مرسوم و توسط برخی زائران صورت می‌گرفته است. چنانچه بنا بر شاهدی که در باب زیارت در دائرةالمعارف اسلام چاپ هلند آمده، حسن بصری (م ۱۱۰ق/ ۷۲۸م) در متنی که در رابطه با آداب و منش صحیح زیارت قبور است، به سرزنش افرادی می‌پردازد که هدف اصلی زیارت را به فراموشی سپرده و خویشتن را به رفتارهای ناپسندی مانند

اکل و شرب مشغول کرده‌اند (الترکمانی، ۱۹۸۶ در اس. ریس، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴). به هر تقدیر، امروزه در محافل علمی از زیارت به عنوان گردشگری مذهبی یاد می‌شود که در آن زیارتگاه در کنار زیارت، به عنوان مقصدی برای گذران اوقات تفریحی در کنار خانواده و دوستان محسوب می‌شود. گعده‌های دوستانه و خانوادگی زنانه و همراه با فرزندان در کنار وسایل و ابزار خوردنی و نوشیدنی، مخصوصاً در حیاط‌ها و اطراف زیارتگاه به خوبی از وجود این گونه اهداف در برخی زائران در کنار انجام زیارت خبر می‌دهد.

۲-۴. کنش زیارت به عنوان امری فرعی وابسته در کنار رجوع برای کارهای

پیش‌بینی نشده

گاهی اوقات رجوع زنان به زیارتگاه با برنامه قبلی برای انجام کاری در کنار زیارت صورت نمی‌پذیرد، بلکه وقوع رویدادهایی پیش‌بینی نشده سبب رجوع و آمدن ایشان به زیارتگاه است. رویدادهایی که ممکن است در حیطه هریک از مواردی که قبلاً بیان شد و یا دیگر موضوعات قرار بگیرد.

۳. انگیزه و نیت زنان زائر از رفتن به زیارتگاه

هر عملی که از انسان سر می‌زند، همراه با انگیزه و نیت صورت می‌گیرد. به جای آوردن آیین زیارت توسط افراد نیز از این امر مستثنا نیست. در این میان، زنان زائر دارای مقاصد و انگیزه‌های متفاوت و متعددی برای انجام امر زیارت هستند. غالباً این نیت و خواسته‌ها به صورت چندلایه و درهم‌تنیده هستند و نمی‌توان مرز و تفکیک مشخصی برای آنها در نظر گرفت. با این توضیح که تقریباً تمامی انسان‌ها در هر رتبه، مقام، ثروت، جایگاه و قشری که قرار داشته باشند، لیست بلندبالایی از نیازها و حوائج مادی و معنوی دارند که احتمال رسیدن به آن فقط با تلاش عادی و انسانی خودشان بسیار ناچیز است. لذا برای رسیدن به حوائج و خواسته‌ها، در جستجوی دست قدرتی خارج از مناسبات این دنیایی هستند؛ دست قدرتی که بر همه متغیرهای پیش رو برخلاف کنشگران انسانی احاطه داشته باشد. همان‌طور که گذشت، زیارتگاه جهان دیگر با مختصات و ویژگی‌های ماورایی برای فرد ترسیم می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها داشتن نظام علّی و معلولی فراتر از نظامات مادی

این دنیایی است. البته زائر در راه رسیدن به حوائج، علاوه بر رفتن به زیارتگاه و در مدار جریانات جهان قدسی قرار گرفتن، از استراتژی‌هایی در ارتباط برقرار کردن ملموس‌تر با واسطه مقدس و جهان معنوی زیارتگاه نیز بهره می‌برد. عمده این استراتژی‌ها دعا، نذر و توسل کردن با اشکال گوناگون به افراد مقدس است.

۳-۱. درخواست حوائج مادی

انسان در دنیایی زندگی می‌کند که به وضوح خود را محصور در محدودیت‌ها می‌یابد و برای رسیدن به خواست‌های مادی و دنیایی خود، انواع موانع را می‌بیند. حوائج دنیایی اغلب زنان زائر را می‌توان در دو گروه کلی تقسیم‌بندی کرد: حوائجی که مستقیماً به امور مادی و کمبودهای عینی برای رسیدن به یک زندگی مطلوب دنیایی باز می‌گردند و درخواست‌هایی که در حیطه مسائل و گرفتاری‌های فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

زهرآ، ۴۵ ساله، لیسانس و دارای دو فرزند، از انگیزه و خواسته‌اش برای آمدن به زیارتگاه این‌گونه می‌گوید:

من که می‌آم اینجا، از گرفتاری‌های خودم و بچه‌هام و دیگران می‌گم و از شون می‌خوام که مشکل کار و ازدواج بچه‌هامو حل کنند. ولی مشکلات دیگرانم می‌گم. مثلاً الان همسایه مون که مستأجره، حسابی کارش گره خورده و پول نداره که کرایه خونه رو بده. برای اون اول از همه دعا کردم.

۳-۲. درخواست حوائج معنوی

انگیزه و نیات زائران در عمل زیارت، محدود به حوائج و خواسته‌های مادی و دنیایی نمی‌شود. درخواست‌های معنوی که در مدار تمایلات افراد به استعلایی شدن و تعالی روح، دریافت ثواب و پاداش الهی، واسطه شدن افراد مقدس و ملکوتی برای بخشش گناهان، شفاعت ایشان در آخرت، رسیدن به قرب الهی و... قرار دارند نیز از درخواست‌های زائران در زیارتگاه هستند.

زینب، ۳۴ ساله، متأهل و دارای یک فرزند دختر را دیدم که بر پله‌های مقابل ضریح نشسته و به پهنای صورت اشک می‌ریزد و زیر لب چیزی زمزمه می‌کند. نزدیک شدم و بعد از باز کردن باب گفتگو، پرسیدم چرا اشک می‌ریزد. با صدایی

بغض آلود و اشک‌هایی که بر صورتش جاری می‌شد، جواب داد:

من چند سالی که از شهرستان اومده‌ام اینجا. شهر خودمونم بودم، زیاد زیارتگاه می‌رفتم. حالام که اومدیم اینجا، سعی می‌کنم زیاد پیام اینجا. من فقط خودشونو می‌خوام. می‌خوام از معرفتشون و از حالشون به منم بدن. می‌خوام خدا رو بهتر بفهمم. می‌خوام یه کم شبیه اینها بشم.

در واقع برای رسیدن به امور روحانی و معنوی، زیارتگاه با داشتن امر قدسی اصیل (بدن فردی قدسی) بهترین مکان می‌باشد؛ جایی که انسان با تصور فردی همانند آرمان‌ها و ایدئال‌هایش، نیازهای معنوی را بهتر ترسیم کرده و توأمان این نیازها را از الگوی استعلایی مورد زیارت درخواست می‌کند. یکی دیگر از خواصی که برای جهان قدسی بر ساخت شده در فضای زیارتگاه در مذهب شیعه می‌توان بیان داشت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های بنیادین بشر است؛ پاسخ‌گویی‌ای که از الزامات برآمده از هندسه معرفتی این جهان قدسی بوده و در معنادهی به زندگی زائر اثر بسزایی دارد. تحلیلی از فلسفه خلقت و دادن تصویری ضمنی از غایت زندگی و جهان پس از مرگ نمونه‌ای از این پاسخ‌گویی و تبیین‌ها هستند؛ غایت و هدفی از زندگی که خود را در تلاش فرد برای ساختن جهان آخرتی آبادتر نمایان می‌سازد. آبادی‌ای که با مدد از افراد مقدس برای رسیدن به تعالی روحی بالاتر در این دنیا و یاری ایشان در جهان پس از مرگ صورت می‌گیرد. بر همین اساس، شفاعت و واسطه شدن افراد مقدس و ملکوتی برای بخشش گناهان و دریافت ثواب از زیارت ایشان همراه با ارتقای درجات معنوی، چه در عالم زمینی و چه جهان پس از مرگ و در محضر الهی، یکی از حوائج همیشگی مؤمنان از زیارت است.

در حین گپ و گفت با لیلا، ۴۴ ساله، فوق دیپلم و صاحب ۳ فرزند، می‌پرسم مهم‌ترین خواسته‌اش از حضرت عبدالعظیم (ع) چیست. در جواب می‌گوید: «از همه مهم‌ترش، شفاعت کردنشون تو روز قیامت. دستمونو اونجا که حسایی گرفتاریم و تنها بگیرن. ثواب بردنم هستش دیگه. این جواری شاید یه کم بار گناهمونم کمتر بشه.»

اگر با دقت به صدای افراد در زیارتگاه گوش بسپاریم، درخواست‌های مادی و

معنوی متعدد را در زمزمه و گفتگوهایی که ایشان با مزور و یا خدا دارند، می‌توانیم بشنویم. کسانی که گوشه‌ای از ضریح را گرفته و با آه و سوز و اشک، گرفتاری‌های خود را به زبان آورده و التماس حل شدن آنها را دارند. وقتی به داخل ضریح دقت کنیم، بعضاً در لابه‌لای پول‌های ریخته شده در صندوق ضریح، برگه‌هایی غیر از اسکناس‌های پول را هم می‌توان مشاهده کرد؛ برگه‌هایی که احتمالاً عرض حاجات گوناگون هستند که صاحبش بر این باور است که با نوشتن، به داخل ضریح انداختن و نزدیک مزور قرار گرفتن، بهتر مورد توجه مزور مقدس قرار می‌گیرد تا واسطه‌ای شود برای برآورده شدن آنها. در قدیم، گره زدن پارچه‌ها و نخ‌هایی به شبکه‌های مشبک ضریح نشانه‌ای از توسل به فرد زیارت‌شونده بود. در حال حاضر، این گره زدن‌ها کمتر شده و اگر هم انجام شود، پس از مدتی توسط خادمان برداشته می‌شود.

۴. پیامد و دستاوردهای زیارت برای زنان زائر

همان‌گونه که در پس هر کنش و عملی که از انسان سر می‌زند، نیت و انگیزه‌ای نهفته است، بعد و در حین انجام آن نیز پیامد و ماحصلی برای ایشان به ارمغان خواهد آورد. در ادامه به برخی از این پیامد و دستاوردها اشاره شده است.

۴-۱. تجربه ژرف و عمیق از امر قدسی

این زیارتگاه‌ها محل زیارت فرد یا شیء یا اثر و یادبودی از امر قدسی هستند که این امر قدسی به عنوان واسطه ارتباط خداوند و انسان‌ها شناخته می‌شود. لذا از زمانی که زنان زائر در این فضا قرار می‌گیرند، خود را در مدار عنایات خاص الهی و فوق‌العاده یافته و حس می‌کنند. همچنین بارگاه‌ها به واسطه هم‌افزایی که از اجتماع مؤمنانی با باورها و اعتقاداتی هم‌جهت در امر زیارت ایجاد شده است، معنایی را ساخته و بازتولید می‌کند که ماحصل آن در بسط و گسترش ساحت روحانی و معنوی دین اثری عمیق دارد. لذا حضور در این فضا تجربه‌ای ژرف از شور و شغف دینی را با خود به همراه دارد.

شیما، ۱۶ ساله، احساسش از بودن در این فضا را این‌گونه توصیف می‌کند: «اینجا اون حال معنویش برای آدم بیشتره. آدم انگار بیشتر خدا رو می‌فهمه. وقتی

این همه جمعیت برای زیارت یه آدمی که مقدس و الهی هستش، آدم پاک و خوبی هستش می‌آن، اینجا یه حال و هوای دیگه‌ای می‌گیره.» از خانمی حدود ۴۰ ساله وقتی پرسیدم چه چیزی در اینجا بیشتر برای شما جذابیت دارد، پاسخ داد: «اینجا خدا رو بیشتر حس می‌کنی. همه چیزش حال روحانی داره. انگار نفسم می‌کشی، یاد خدا می‌افتی.»

زیارتگاه که محل و جایگاه ایجاد جهان قدسی برای زنان زائر است، به موازات این برساخت، لایه‌ای غلیظ و متراکم از معنویات را در فضا انتشار می‌دهد. این ذرات با هر بار تنفس زائران، نه تنها کاسته نمی‌شوند که گویا با انرژی مضاعف‌تری بازدم می‌شوند. در این میان، زیارت برای زائران نوعی تنفس در هوای قدسی و بودن در فضا و مکانی غیر از محیط عادی زندگی و جایی از جهان دیگر است. برگز اساس دین و به تبع مناسک آن را شروعی از قدسی شدن می‌داند که به تبع آن مکان‌ها، فصول و چیزهایی نیز قدسی می‌شوند. این قدسی شدن به دنبال خود، ویژگی فوق‌العادگی را نیز به دنبال دارد. به این ترتیب، انسان با کیهان مقدس به مثابه واقعییتی بسیار قدرتمند مواجه می‌شود که در عین حال که از انسان فراتر رفته، او را نیز در بر گرفته است (برگر، ۱۳۹۷، ص ۶۲ و ۶۳). این فوق‌العادگی به صورت محسوس و عمیق در فضای زیارتگاه متصور می‌شود.

۴-۲. زیارت و معنادهی و نظم‌بخشی به دنیای آشفته زنانه

افراد در ساحت‌های مختلف شناخت و درک امورات رخ داده در جریانات و فراز و نشیب‌های زندگی، نیازمند توضیح و تبیین‌هایی هستند تا به تناسب آنها به هنجاردهی دنیای آشفته پیرامون خود پردازند. آیین زیارت یکی از مناسک مذهبی است که به صورت عمده‌ای این معنادهی و نظم‌بخشی در بحران‌های زندگی را برای زائران خود یادآور می‌شود؛ بحران‌های زندگی که در مراتب مختلفی انسان‌ها را با چالش مواجه می‌کنند. لذا معنادهی و نظم‌بخشی‌ای که با زیارت در زنان حاصل می‌شود را می‌توان در سطوح کلان و خرد برای ایشان تقسیم بندی کرد.

در سطح کلان، دنیای امروز به دلایلی از جمله پیچیده‌تر شدن مناسبات زندگی در عرصه‌های مختلف، آشفتگی و چالش‌های عمده‌ای را با خود همراه کرده است.

زنان نیز در زندگی با موانع و چالش‌های عمده‌ای مواجه هستند که به مراتب با پیچیدگی‌های بیشتری نسبت به گذشته همراه است. مهم‌ترین این چالش‌ها چندین صدایی شدن منابع اطلاع‌رسانی در عصر جدید است که هریک به طریقی داعیه حق بودن را دارند و تلاش می‌کنند منطق خود را در هنجاربخشی و معنادهی به مناسبات زندگی موجه نشان دهند. لذا افراد جامعه که با انبوهی از نحله‌های فکری با درجاتی از اختلاف مواجه می‌شوند، باید گزینشگر گزاره مطلوبشان باشند. زائر زیارتگاه با انتخاب زیارت، تا حد زیادی و لااقل در وجوهی از زندگی، دین را برای معنادهی و هنجاربخشی به جریان‌ات زندگی برگزیده و پاسخ سؤالاتش را از مخزن معتقدات مذهب جستجو می‌کند.

نجمه، ۳۲ ساله، متأهل و کارشناس ارشد زبان انگلیسی، این‌گونه می‌گوید:

«خب، من با اینجا اومدن، دستورات دینم رو انجام می‌دم و اینکه بالاخره

این زندگی برای من قراره چه معنایی داشته باشه و اینکه خب، قراره من

زندگی رو چه جور بفهمم.»

در ساحت خُرد، اتفاقات رخ داده در هر مرحله از زندگی می‌تواند فشار و نگرانی‌ای به فرد وارد کند که عاملی برای آشفتگی وی شود. این فشارها برای دختران و زنان می‌تواند در سنین مختلف متفاوت باشد. هریک از موارد درگیر شدن به رابطه عاطفی و عشقی با جنس مخالف و چالش‌های آن، انتخاب رشته تحصیلی، نداشتن یک ارتباط مناسب با پدر و مادر و خانواده، انتخاب شغل، انتخاب همسر، اختلال در روابط زناشویی، طلاق، فرزنددار نشدن، بروز مشکلات برای فرزندان، از دست دادن عزیزان و... می‌تواند تکانه و مصیبتی در زندگی زنی ایجاد کند. در اینجا لازم است علاوه بر دنبال کردن راه‌حل‌های مادی برای رفع این گرفتاری‌ها، راه‌حلی برای رهایی از آشفتگی روحی و روانی ایجادشده در پی این رویدادها یافت. زن زائر از زیارت برای رهایی از این آشفتگی‌ها کمک می‌گیرد.

خانم حدود ۵۰ ساله، دیپلم و مطلقه:

ببین، من بعدِ طلاقم اون قدر به هم ریخته بودم که زندگی برام معنا نداشت.

هی می‌گفتم: «آخه این چه زندگیه من دارم؟ یعنی چی؟» اون قدر به هم

ریخته بودم که نگو. پا می‌شدم می‌اوادم اینجا. می‌نشستم. بازم با اینجا درددل می‌کردم. می‌گفتم: «خب. خدا هستش دیگه. اینام هستن دیگه. هیچی ام الکی نمی‌شه که. خدا کمک می‌کنه.»

برگر معتقد است بیش از آنکه مفاهیم و باورها را به زبان بیان کرد و توصیف نمود، باید آن را در لایه‌های زیرین و درونی ضمیر فرد جستجو کرد. نهادینه شدن نظام معنایی کیهانی برای افراد به صورت تدریجی و با دریافت‌هایی که در طول زندگی دارند و از کودکی آغاز می‌شود. زندگی انسان ذاتاً و به طور اجتناب‌ناپذیر، فعالیتی در راستای رویدادهای رخ داده است و وجود بسیاری از نابسامانی‌ها در دنیایی که زندگی می‌کنیم، باعث می‌شود انسان‌ها به دنبال نظم‌دهی و از حال بی‌هنجار خارج کردن تجربه زندگی خود باشند. البته این به آن معنا نیست که انسان بدون دین نمی‌تواند زندگی کند. در عصر مدرن، برخی پدیده‌ها همچون علم داعیه تفسیر نظامات این دنیا را به همراه دارند (برگر، ۱۳۹۷، ص ۶۴). ولی تاکنون، در مواردی خود به ناتوان بودنشان در این امر اذعان داشته‌اند. تجربه تاریخی بشر نشان داده که هیچ سیستم جایگزینی به گستردگی دین، نمی‌تواند پاسخ‌گوی سؤال‌ها و نیازهای همیشگی بشر باشد؛ سؤال‌هایی چون «از کجا آمده‌ام؟»، «در این دنیا چه می‌کنم؟»، «به کجا می‌روم؟» و

۳-۴. پاک شدن از آلودگی و گناهان به واسطه زیارت

در باور هر فردی، مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های اخلاقی شکل گرفته است که با نقض هریک از آنها، خلل و آسیبی به نظام معنایی آنها وارد می‌آید. لذا فرد را به تکاپوی ترمیم و جبران مافات می‌اندازد.

معصومه، حدود ۵۰ ساله، دیپلم، می‌گوید:

«من بیشتر اینجا که هستم، ذکر استغفار رو می‌گم. از خدا می‌خوام به حق

حضرت عبدالعظیم، گناهامو پاک کنه.»

پاک شدن از گناهان در واقع تلاش برای پیراستن خود از زوائد تخطی شده از مرزهای اخلاقی فرد است و توبه کردن، ترمیم و بازگشت از مسیر منحرف شده از دیواره‌های دژ جهان اخلاقی وی می‌باشد. در این میان، زیارتگاه مقری برای انجام

تنظیم این رویه‌ها و رسیدن به وضع مطلوب است.

۴-۴. متبرک شدن به واسطه زیارت

زیارت به معنای دیدار، در واقع نوعی ملاقات با امر قدسی است که بهره‌مند از نیرو و برکت الهی است؛ ملاقات و دیداری که در آن، فرد به واسطه مواجهه با امر قدسی، خود نیز بهره‌مند از آن برکت می‌شود. در واقع با تبرک جستن، انسان در پی آراستن و اضافه کردن خصلتی در خود است. به عبارتی دیگر، می‌توان زیارت را آیینی برای متبرک شدن دانست.

از زهرا، حدود ۳۰ ساله، لیسانس و متأهل، که از هنگام ورود به داخل صحن دستش را به در و دیوار کشیده و سپس با گفتن صلوات به صورت خود می‌کشد و بعد آن و در هنگام زیارت، دستش را به شبکه‌های ضریح گرفته و همراه با صلوات و گفتن اذکاری، دستش را به سر و صورت برمی‌گرداند، پرسیدم این حرکات را به چه دلیل انجام می‌دهد. پاسخ می‌دهد:

«خب، می‌خواستم ازش تبرک بشم. تو زیارتگاه، همه جاش برکت داره. در و دیوار و مخصوصاً خود ضریح. با دست کشیدن رو در و دیوار اینجا و بعدش کشیدن روی سر و صورتم، خودم رو متبرک می‌کنم.»

زنی حدود ۳۰ ساله را دیدم که بعد از برگشتن از زیارت ضریح (که در آن روز، شلوغ و پرازحام هم بود) با عجله و هیجان دستش را بر سر افراد خانواده‌اش می‌کشید و می‌گفت:

«بیایند! بیایند! با این دستم بالاخره ضریح رو تونستم بگیرم. دستم تبرکی شدش. شمام تبرک بشید.»

انسان با مجموعه فعالیت‌های خود و در فرایند بیرونی شدن، جامعه و جهان خود را می‌سازد و در طی انتقال فراورده‌های ذهنی خود به نمادها و عناصر مادی، این جهان را عینی می‌کند (برگر، ۱۳۹۷، ص ۶۴). نکته قابل توجه آن است که این جهان عینی برآمده از فراورده‌های ذهنی، برای انسان دارای خواص و ویژگی‌های منحصر به فردی است که می‌تواند آن را به صورت علنی درک و حس کند. بر همین مبنا، انسان غالباً برای فهم بهتر خود، سعی در ملموس کردن هرچه بیشتر امورات

ذهنی خود دارد. لذا تا جایی که امکان‌ش باشد و بتواند، وجهی مادی به پدیده تماماً معنوی خواهد داد. متبرک شدن در زیارتگاه یعنی گوشه‌ای از خاصیت قدسی مزور را دریافت کردن؛ خاصیتی ماورایی که دیده‌شدنی نیست. پس باید با انتخاب راهکاری، این دریافت را پایین آورد و در سیستم جهان خودی جایش داد. در اینجاست که رفتارهای بدنی همچون بوسیدن، دست کشیدن بر در و دیوار و سپس به بدن مالیدن و گرفتن شبکه‌های ضریح زیارتگاه برای دریافت برکت معنا پیدا می‌کند. تمامی اینها نشانه‌ای از تلاش زائر برای دستیابی به نیروی جهان نادیده قدسی است. قرار دادن اسکناسی متبرک‌شده (در قدیم سکه نیز مرسوم بود) در میان پول‌های خود برای برکت دادن به آنها از عادات مرسوم برخی مؤمنان در فرهنگ شیعی است. این اسکناس‌ها یا در مناسبت‌های میلاد و اعیاد به دست افراد رسیده و یا با کشیدن آنها به ضریح در زیارتگاه‌ها متبرک می‌شود.

نزدیک ضریح، خانمی حدود ۵۰ ساله، لیسانس مدیریت را دیدم که چند عدد اسکناس ۱۰ هزار تومانی را به ضریح می‌کشید. گوشی دستم بود و سریع عکسی از این عملش انداختم. از او راجع به چرایی این عمل پرسیدم. جواب داد: «من هر زیارتگاهی که می‌رم، چند تا از اسکناس‌ها می‌کشم به ضریح تا برکت پیدا کنه. بعدش اونا رو می‌ذارم لای بقیه پول‌ها و تو کیفم. این جوری پول‌هام برکت پیدا می‌کنه و خیلی دیرترم تموم می‌شه.»



زن زائری که در حال کشیدن تعدادی از اسکناس‌هایش به ضریح است.

(تصویر از نگارنده، تابستان ۱۳۹۹)

این کنش‌ها تلاش برای درکی عمیق‌تر و ملموس‌تر از دریافت‌های جهان‌ماورایی است. در واقع سیم نامرئی وصال امر قدسی با هر چیزی که اعتباری برای مالکیت بر آن در زیارتگاه پیدا می‌کند، در این کنش‌ها هویدا می‌شود. ضریح، در، دیوار، گیاهان، آب و... که در فضای زیارتگاه هستند، ازجمله این مالکیت‌ها هستند که به واسطه صاحبشان که همان مزور قدسی است، دارای قدرت برکت‌دهندگی شده‌اند.

۴-۵. بازتولید و یادآوری اعتقادات و باورها به کمک زیارت در زنان زائر

به عقیده برگر، جوامع سنتی اغلب یکپارچه بودند و انسان سنتی در جهانی زندگی می‌کرد که عملاً یکدست بود. در عصر حاضر، انسان در جریان رفع نیازهای خویش بیش از پیش باید درگیر مناسبات تودرتوی دنیایی شود. ویژگی جوامع شهری و مدرن سر برآوردن بیش از پیش تکثر در دنیای پیش روی افراد است. این مناسبات متکثر که اغلب نیز باهم سازگار نیستند، زندگی امروزی را تا اندازه بسیار زیادی بخش‌بخش کرده است (برگر، ۱۳۹۴، ص ۷۳؛ نیز یگاما، ۱۳۹۸). نتیجه این مواجهات

متکثر مشغول شدن قسمت عمده‌ای از توجه و ذهن فرد است و به تبع آن، فراموش کردن باورها و اعتقادات در پیچ‌وخم جریانات زندگی روزمره. در اینجا است که نمادها و مناسک دینی در بازگرداندن توجهات و یادآور شدن دوباره و بازتولید این باورها و اعتقادات در افراد نقش بسزایی را ایفا می‌کند.

سحر، ۳۱ ساله، با تحصیلات لیسانس که چادر را به سختی بر سر نگه داشته و موهای رنگ‌شده‌اش از روسری بیرون آمده و با هر بار بازوبسته شدن چادر، مانند مان‌توی تا بالای زانو و با آستین‌های کوتاه و ساپورت کمی از میچ پا بالا آمده‌اش معلوم می‌شود، چند لحظه‌ای در صحن حرم کنارم قرار گرفت. همان‌جا از او دلیل آمدن به زیارتگاه را پرسیدم. در پاسخ گفت:

«دلم تنگ شده بود. خیلی وقت بود نیومده بودم. دیگه داشت خیلی چیزا

یادم می‌رفت.»

انجام و تکرار مناسک و همراه شدن با فرهنگ برخاسته از آن که مجموعه‌ی الگوهای رفتاری و کنش‌های جمعی به همراه نمادهای قدسی می‌باشد، برای انسان فراموش‌کار امری لازم و ضروری است؛ چراکه انسان‌ها فراموش می‌کنند و باید مکرراً و با مکانیزمی، امور را برای خود بازتولید و یادآوری کنند. انجام مناسک، تعاریف باورها و مشروعیت‌های ملازمشان را برای شرکت‌کنندگان در این مناسک حاضر می‌سازد. آیین زیارت و نوع کنش‌های زیرمجموعه‌ی آن نمونه‌ی بارزی از این یادآوری هستند. همچنین، مواجه شدن حسی و عاطفی با انواع اِلمان‌های مذهبی در فضای زیارتگاه همچون دیدن کتاب‌های قرآن، دعا، مهر، تسبیح و آذین‌های مذهبی، شنیدن زمزمه‌های نیایش زائران و صوت مناجات، استشمام رایحه‌ای خاص از صحن و رواق‌ها و... در این یادآوری و برساخت نقش بسزایی دارند.

۴-۶. برساخت و تداوم امید در زنان زائر

ناامیدی همواره در ادیان و به‌ویژه در اسلام نکهیده و ن به‌عنوان بدترین و بالاترین گناه و هم‌ردیف کفر به‌عنوان گناهی نابخشودنی معرفی و از آن یاد شده است. یکی از بهترین مکان‌ها برای برساخت امید، زیارتگاه است. بذر امید از دل زیارت با مکانیزم تقویت و بازتولید جهانی دیگر و ماورایی بارور و زاده می‌شود. حال،

این امید برساخت شده می‌تواند در مرتبه دست به نقدش تولید انرژی برای تحرک در اکنون زائر باشد و یا در وهله‌ای بالاتر، قدرت و شجاعت برای رفتن به سوی آینده ندیده و نوعاً ترسناک و مبهم.

در گفتگویی که با آرزو، دختر ۱۴ ساله داشتم، پرسیدم که در چه زمان‌هایی بیشتر به زیارتگاه می‌آید. جواب داد:

«اون موقع‌هایی که از چیزی خسته می‌شم یا چیزی خیلی ناراحت و افسرده می‌کنه، بیشتر دوست دارم پیام اینجا تا انرژی و امید دوباره بگیرم.»

علاوه بر شکل‌گیری جهانی برین که امید را دل خود به همراه دارد، جمعی بودن کنش زیارت عاملی دیگر برای برساخت و تداوم امید در زنان می‌شود. در زیارتگاه جمعی از انسان‌ها هستند که در صورت کلی، دارای اشتراک عقاید و انجام مناسک یکسان قابل توجهی هستند. فرد در طی مناسک زیارت از حیات فردگرایانه روزمره به حیات جمعی و وجدان عمومی قدم می‌گذارد که بده‌بستان‌های معرفتی و هویتی خودآگاه و ناخودآگاه را به دنبال خود دارد. یکی از این بده‌بستان‌ها تأییدات ضمنی و عینی بر یک باور است که در امتداد خود منجر به برساخت مستحکم‌تری از یک جهان قدسی دیگر و با ویژگی‌های خاص می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

زیارت مجموعه‌ای از آداب و مناسکی است که ابزاری مهم برای رسیدن به اهداف معنوی و استعلایی مذهب تشیع را فراهم می‌آورد. از همین رو در سپهر فرهنگ شیعی، همواره زیارت و زیارتگاه مورد توجه ویژه قرار گرفته است (گروسی و طاووسی مسرور، ۱۴۰۳، ص ۱۱۷). در این میان برای زن زائر، در زیارتگاه جهان قدسی و برین با نیرویی غیبی و فراتر از نظام علّی و معلولی دنیای زمینی شکل می‌گیرد. نیروی ماورایی جهان ساخته شده در زیارتگاه تمایل زنان برای عرض نیاز و حاجت در این فضا را فزونی می‌بخشد؛ حاجات و خواسته‌هایی که در گستره نیازمندی‌های مادی و معنوی زنان که به تناسب مسائل و مناسبت‌های زنانه، محل ابتلا و

گرفتاری‌های ایشان است، قرار می‌گیرد. این جهان قدسی به دنبال خود، پیامد و دستاوردهای روحی و معنوی چون آرامش بخشی، نظم دهی، یادآوری باورها و... را برای زنان به دنبال دارد. همچنین، از نقاط بارز متمایزکننده زیارت زنان با مردان، آداب متفاوت بدنی در وجوه مختلف مواجهه با امر زیارت به تناسب سیستم بیولوژیک بدنی و چگونگی پوشش در هنگام حضور در زیارتگاه است. بر همین مبنا، برخی زنان که احساس ناخوشایندی در منع شدن از انجام بعضی مناسک در زمان عادت ماهانه خود را تجربه می‌کنند، در این ایام تمایلی برای حضور در زیارتگاه نیز ندارند. اگر هم بنا به دلیلی در زیارتگاه حاضر شوند، تجربه زیسته عمیق دینی و به تناسب زمانی که در حالت حیض خود نیستند، نخواهند داشت. غالباً این زنان در دسته افراد خورکرده به مناسک قرار می‌گیرند که علاقه مند هستند در مواقع حضور در زیارتگاه نیز مشغول انجام مناسک دینی باشند. علاوه بر این، اکثر زنان فضای قدسی زیارتگاه را به گونه‌ای بازساخت و فهم می‌کنند که در آن باید کمترین علائم جذابیت‌های جنسی افراد نمایان باشد؛ علائمی که خود را برای زنان در پوشیدگی کمتر بدن و آرایش صورت و مو نمایان می‌سازد و لذا پوشاندن بیشتر بدن امری مطلوب در فضای زیارتگاه ادراک می‌شود. البته نباید از یاد برد که مؤلفه‌های اثرگذار در چگونگی شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های زنان زائر در یک زیارتگاه می‌تواند ابعاد متنوع دیگری (همچون ابعاد پیشینی و زمینه ساز، ابعاد هم‌زمانی با امر زیارت، ابعاد پسینی و بعد از انجام زیارت) برای فرد داشته باشد. لذا پژوهش‌های متعدد و متنوع‌تری پیرامون این مباحث بستری در جهت روشن‌تر شدن لایه‌های متنوع (جامعه‌شناختی، انسان‌شناسی) چگونگی نقش‌آفرینی، حضور، ادراک، تجربه، فهم، رفتار، کنش، اعمال و در ادامه دستاوردها و پیامدهای زیارت برای زنان زائر خواهد بود. همچنین نتایج این پژوهش‌ها می‌تواند برای تصمیم‌گیران و متولیان امر زیارت در کشور، از سیاست‌گذاران تا دست‌اندرکاران اجرایی و اداره مستقیم یک زیارتگاه، جهت چگونگی مواجهه با آماده‌سازی بنا و فرم بیرونی در کنار چگونگی فضا سازی و سامان دادن رویدادهای درونی و محتوایی زیارتگاه‌ها در ابعاد مختلف، به قصد ارتقای کیفیت و غنابخشی به تجربه زیسته زائران و خصوصاً

زنان زائر مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. اریکسن، تامس هیلاند. (۱۳۸۵). مردم‌شناسی چیست؟ (نسخه الکترونیک). ترجمه ابراهیم چگینی. تهران: رهنما.
۲. اکبری، زهرا؛ فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۶). تغییرات معناشناختی کنش زیارت از منظر انسان‌شناسی تفسیری (مطالعه موردی: زائران امام‌رضا (ع)). دوفصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی. ۹ (۱۷). ص ۱۷-۴۰.
۳. انگروزینو، مایکل. (۱۳۹۶). درآمدی بر مردم‌نگاری. ترجمه جبار رحمانی و محمد رسولی. تهران: فرهنگ.
۴. برگر، پیترو و دیگران. (۱۳۹۴). ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی. ترجمه محمد ساوجی. تهران: نی.
۵. برگر، پیترو. (۱۳۹۷). سایبان مقدس. ترجمه ابوالفضل مرشدی. تهران: ثالث.
۶. برگر، پیترو؛ زایدرولد، آنتوان. (۱۳۹۳). اعتقاد بدون تعصب. ترجمه محمود حبیبی. تهران: گمان.
۷. جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۶). تجربه زنانه از جنگ. مجله پژوهش زنان. ۵ (۲). ص ۸۱-۱۰۸.
۸. رحمتی، رحمت‌اله. (۱۳۹۳). مطالعه مقایسه‌ای آیین زیارت در اسلام و مسیحیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: سیدنادر محمدزاده. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد شهرری. دانشکده علوم انسانی.
۹. رضوی‌زاده، ندا. (۱۳۹۶). ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین. آذر ۱۳۹۳). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۶ (۴). ص ۵۹۵-۶۳۱.
۱۰. ریس، اسکات اس. (۱۳۹۶). زیارت در دائرةالمعارف اسلام. ترجمه هادی ولی‌پور. مجله میقات حج. ۲۵ (۱۰۰). ص ۱۲۲-۱۴۰.
۱۱. سلطانیپور، مانا؛ اصغری، امیررضا. (۱۳۹۵). پیشینه تاریخی و فرهنگی زیارت در ایران. مجله مطالعات ایران‌شناسی. ۳ (۴). ص ۸۹-۱۰۸.
۱۲. گرت، استفانی. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه کتایون بقایی. تهران: نی.
۱۳. گروسی، اکرم؛ طاووسی مسرور، سعید. (۱۴۰۳). بررسی اجمالی و مقدماتی جایگاه امر زیارت در فرهنگ شیعی از منظر جامعه/انسان‌شناسی (مطالعه موردی: زیارت زنان). مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ۳۰ (۱۳۰). ص ۱۱۵-۱۴۰.